

سلامنا

علی بن ابی طالب

دوماهنامه انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
سال اول ، شماره دوم ، اسفند ماه ۹۹
ویژه ولادت امیرالمومنین امام علی (ع)



علی

ناصر دین خدو حامی پیامبر
خداست ، اوست پیامبر
سیر کار و طیب و طاهر
و رضا وره یافته

در این شماره می خوانیم:

* سیره تربیتی امیرالمومنین

* علی (ع) ، مردی که دنیا او را نشناخت

* معرفی کتاب «مناقب امام علی ابن ابی طالب»



فهرست مطالب

نیایش ۳
 سفن نفست ۳
 دمی با قرآن ۴
 معرفی کتاب ۵
 مرد که دنیا او را نشناخت ۶

نفی فرهنگ فقر ۷
 علم النافع ۷
 مصحف امام علی علیه السلام ۸
 بریده کتاب ۱۳
 گفت و گو ۱۴

امیرالمومنین علیه السلام و نهج البلاغه ۱۵
 سیره تربیتی امام علی علیه السلام ۱۶
 گذری بر بوستان معرفت ۱۷
 گوهر کلام ۱۸
 سفن پایانی ۱۸



دو ماهنامه علمی - فرهنگی ره نما
 نشریه انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
 دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
 سال اول ، شماره دوم ، اسفند ۹۹

صاحب امتیاز:
 انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

مدیر مسئول:
 محمد علی کیهانی

سردبیر:
 سیده فرناز اتحاد

هیئت تحریریه:
 سیده فرناز اتحاد ، محمد استیری ، محمد علی کیهانی
 سمیه پریشان ، زینب ادیب نژاد

طراح و صفحه آرا:
 محمد علی کیهانی

با تشکر از:
 دکتر محسن رجیبی قدسی ، دکتر الهه شاهپسند ، دکتر محسن دیمه کار گراب

راه های ارتباطی:

@anjomanelmiquran110

@quranm15

mashhadanjomelmi@gmail.com



سخن نخست

نیایش

برای از شما نوشتن، حضرت پدر واژه کم است

قلم باید به خود بیابد که از باب علم نبوی (ص) بتواند بر صفحه‌ی کاغذ بنگارد...

شما را باید در آیه آیه قرآن جستجو کرد؛ در ارکان نماز که شما خود رکن نمازی؛ در سایه‌ی سخنان رسول (ص) که از یک جوانمرد سخن می‌گوید و در روزهای تنهایی و التهاب تبلیغ اسلام دست یاری می‌کشاید و تنها شما دعوتش را لبیک می‌گویید...

شما را باید در دل شب‌های کوفه و نجوهای عرفانی جستجو کرد...

شما تفسیر «نما یخشی الله من عباده العلماء» هستید...

شما را باید در انوار نهج البلاغه شناخت...

ملاقات با شما در مناجات مسجد کوفه چقدر تماشایی است...

و از آنچه به کمیل آموختید هم چقدر توشه برچیدیم در نیایش‌های شبانه‌ی شب جمعه...

شما را در کلام توماس کارل انگلیسی هم دیده‌ایم که معترف است «او (علی علیه السلام) جوانمردی است که در محراب عبادتش شهید شد از بس که عادل بود»...

تنهایی، صبر و مظلومیت را در سیره شما یافتیم...

و با تمام این‌ها چقدر کم شناختیم شما را ای عین عدالت، و چقدر کم به شما پرداختیم ای باء بسم الله؛

معرفت ما از شناخت شما همین بس که تنها دستی از دور بر آتش داریم و مفتخریم شیعه‌ی شما باشیم...

از شما نوشتن در قلم ما نمی‌گنجد اما برای شما نوشتن رزق ما شده است در این روزهای مبارک مقارن با ولادتتان

ویژه است ولادتتان؛ در مکه... قرق شده تنها برای مادری که در انتظار ولادت نور است... معتکف حریم یار تا کودکش در حرم امن الهی به این دنیا

منت دهد و پدر این امت شود...

ویژه است نام شما که علی علیه السلام است...

برای شما نوشتن را ویژه، برگزیدیم حضرت پدر علیه السلام؛

شماره دوم نشریه رهنما را با تبرک و تمین به وجود مبارک

حضرت علی علیه السلام با مطالب ویژه و مختص شخصیت والای ایشان آغاز می‌نماییم. ضمن عرض تبریک ایام پر خیر و برکت ماه رجب المرجب و

ولادت حضرت علی علیه السلام از تمام اساتید معزز و همراهان بزرگواری که موجب دلگرمی ما بودند و همراهی خود را در به سرانجام رسیدن این

مطلوب دریغ نفرمودند متشکر و سپاسگزاریم.

سیده فرناز اتحاد

سردبیر نشریه ره نما

اللهم

انی اسألك

الامان از روزی که

نه مالی برایم منفعت دارد و نه

فرزندی .. «لا من اتى الله بقلب سليم».

آه .. قلب سليم

عزیزدلم ! از تو پناه می‌خواهم از آن لحظاتی که از شدت شرمساری دست بر دندان خواهم گزید که ای کاش راه پیامبرت را می‌پیمودم ... در حالیکه با پیروی از هوای نفس بر خویشتن ستم کرده ام .

آه .. ای خدای من

از تو امان می‌خواهم در آن ساعتی که اعمالم در چهره ام متجلی می‌شود و روسیاه و شرمگین در پیشگاه تو حاضر خواهم شد . چگونگی از تو پناه بخوام در روزی که هرکسی کیفر اعمال خویش را می‌بیند .

پدر از فرزند خویش گریزان است و فرزند از پدر خویش . و هر دو نیز از اعمال خویش .. «ان وعد الله حق»

معبود من ... آخر با چه رویی از تو طلب عفو و بخشش کنم در روزی که لعن و نفرین تو و پیامبران و فرشتگان نثار بدکاران می‌شود

آخ .. خدای من .. من نیز عمری سرسجده به سوی غیر تو فرو نهادم و چشم امیدم مهربانی و لطف بی کران توست .. جز آغوش گرم و مهربان تو کهی برای پناه بردن ندارم عشق شیرین من آری .. به خودت پناه می‌برم ، تو مالک همه چیز هستی ، و من نیز بنده ی کوچک تو

خدای خویم ... از روزی که همه ی پرده ها کنار رفته ، حقیقت اعمال آشکار می‌شود به تو پناه می‌برم ... همان اعمال و کردار را که از بندگانت عمری ست پوشاندی و آبرو از ما حفظ کرده ای

یا ستار العیوب من !

یا غفار الذنوب ما

به آغوش گرم و نگاه پر از مهر تو امید بسته ام و از تو امان می‌خواهم از روزی که گناهکار ، دوست دارد همه ی بستگان و پدر و مادر و فرزندش را فدا کند تا از عذاب رهایی یابد .

مولای یا مولای

مولای یا مولای

چشم امیدم عفو توست ، سرمایه ام محبت توست .

از من راضی شو ... مرا بپذیر و برای خودت تربیت کن

سمیرا کرمانی

اقتباسی از مناجات حضرت در مسجد کوفه

دمی باقرآن

سمیه پریشان



* شأن نزول

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: روایات بسیاری حکایت از این دارند که آیه شراء در خصوص لیلة المبيت نازل شده است. (المیزان، ۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۰) به گفته ابن ابی الحدید، عالم معتزلی اهل سنت، در شرح نهج البلاغه، همه مفسران بر این باورند که این آیه در شأن امام علی (ع) و در ماجرای لیلة المبيت نازل شده است. (شرح نهج البلاغه، ۴۰۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۶۲) البته برخی از علمای اهل سنت با استناد به روایاتی، این آیه را درباره افرادی مانند ابوذر، ضهیب بن سنان، (طبری، جامع البیان، ۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۵۹۱) عمار یاسر و پدر و مادرش، خباب بن ارت و بلال حبشی (فخر رازی، تفسیر کبیر، ۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۳۵۰) دانسته اند؛ اما در اعتبار این روایات تردید شده و به گفته برخی محققان این روایات از روی تعصب و با انگیزه پوشاندن فضایل امام علی (ع) جعل شده است. (هاشمی، بررسی سبب نزول آیه اشتراک نفس، ص ۱۵۳)

* سه نوع شراء نفس

برخی از مفسران در تفسیر آیه شراء، شرای نفس (فروختن جان) را به سه درجه تقسیم کرده اند: شراء نفس به سبب ترس از آتش جهنم، شراء نفس به جهت اشتیاق به بهشت و شراء نفس برای رضای خدا. اینان بالاترین مرتبه شراء نفس را قسم سوم دانسته اند که در آن انسان هیچ چیزی در مقابل آن نمی خواهد و خوابیدن امام علی (ع) در بستر پیامبر (ص) در لیلة المبيت را نمونه ای برای این قسم شمرده اند. (صادقی تهرانی، الف رقان، ۴۰۶ ق، ج ۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶)

* مراد از شراء نفس

واژه «یشری» در آیه، از مصدر «شراء» گرفته شده است (صادقی تهرانی، الفرقان، ۴۰۶ ق، ج ۳، ص ۲۲۵) که فروختن معنا می دهد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۷۸) به گفته علامه طباطبایی مراد از فروش جان برای رضایت خدا، این است که این افراد هیچ چیز جز خشنودی او را طلب نمی کنند و چیزی را می خواهند که خدا می خواهد، نه هوای نفسشان. (المیزان، ۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۹۸)

آیات بی شماری در قرآن کریم وجود دارد که در شأن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می باشد و قطراتی از اقیانوس بیکران فضائل حضرت را برمی شمارد. از جمله این آیات، آیه لیلة المبيت یا آیه شراء می باشد.

(سوره بقره آیه ۲۰۷ وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ وَ از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] پندگان مهربان است.)

که درباره فداکاری حضرت علی (ع) است زمانی که ایشان برای حفظ جان پیامبر اسلام (ص) در بستر پیغمبر خوابیدند.

در لیلة المبيت مشرکان قصد داشتند دسته جمعی به خانه پیامبر اسلام (ص) در مدینه حمله کنند و او را به قتل برسانند. در این شب، امام علی (ع) برای حفظ جان پیامبر در بستر او خوابید و به این ترتیب پیامبر از نقشه مشرکان نجات یافت. (طوسی، امالی، ۴۱۴ ق، ص ۴۶۶) بطور کلی این آیه کسانی را ستوده است که حاضرند جان خود را در ازای به دست آوردن رضایت خداوند فدا کنند. (طالقانی، پرتوی از قرآن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۰) این افراد در مقابل دسته دیگری قرار دارند که در چند آیه پیش از این آیه توصیفشان آمده است؛ یعنی افراد خودخواه، لجوج، معاند و منافقی که خود را خیرخواه نشان می دهند، اما هدفشان فساد است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۷۹) به گفته علامه طباطبایی، سیاق این آیات نشان می دهد که مصادیق این دو گروه در زمان پیامبر وجود داشته اند. (المیزان، ۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۹۸)

معرفی کتاب «مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام»

فرشته قربانی تقدیر

دانش آموخته سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآنی

و از برتریها و مزایای این تألیف روانی و سلیس بودن عبارت های او و زیبایی های سخنان آن در تنظیم سندها، و اهتمام بیشتر مؤلف در تعیین مکان، و زمان نقل، و مشخص نمودن اوصاف راویان حدیثش که در طرق روایات ذکر شده می باشد، که تا مشترک ها بطور کامل روشن گردد.

و از آن مزایا این است که روایات مرسله و شاذ در این کتاب کمتر بچشم می خورد، که این خود از مهمترین عامل های حصول اطمینان به کتاب و محتویات او می باشد

ترتیب کتاب

کتاب با خطبه ای در ستایش پروردگار و با عباراتی برگرفته از کتاب شریف نهج البلاغه و نیز سلام و صلوات بر پیامبر و خاندان گرامی، به ویژه امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه هدیات آغاز می شود. تعابیر زیبا و بلندی که مؤلف به کار می برد نشانگر علاقه و شناخت عمیق وی نسبت به این خاندان پاک است.

سپس به ذکر شجره نامه حضرت علی علیه السلام و نام مادر گرامی ایشان و نیز محل تولدشان می پردازد. در ادامه کتیبه های ایشان و پس از آن به زمان شهادت ایشان را یادآور می شود.

در بخش دیگر روایاتی را که در باب تقدیم اسلام امیر المؤمنین علیه السلام فراهم آورده و سپس به ذکر احادیث مهمی چون حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث طبر، حدیث مواخاة، حدیث مدینه العلم، حدیث رجوع الشمس و غیره می پردازد.

در لابلای روایاتی که به ذکر مناقب خاصه امیر المؤمنین علیه السلام می پردازد، روایاتی در منقبت و فضل سایر اهل بیت علیه السلام نیز فراهم آمده است، از جمله حدیث ثقلین، حدیث سفینه، حدیث مباحله و غیره. همچنین آیاتی را که در فضل علی بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیه السلام نازل شده یادآور می شود آیاتی نظیر مودت ذوی القربی، آیه تطهیر، آیه ولایت و غیره.

در ادامه به بیان جریان ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها و خطبه جناب ابو طالب در مراسم تزویج ایشان و نیز تاریخ وفات حضرت خدیجه و غیره پرداخته شده است. در این قسمت دو روایت نقل شده مبنی بر اینکه اولین مسلمان خدیجه (س) بوده است.

مؤلف بخش دیگری از کتاب را به بیان فضائل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و جایگاه ایشان نزد پدر بزرگوارشان اختصاص داده و روایاتی را در باب محبت پیامبر اکرم (ص) نسبت به حسنین علیه السلام و نیز خبر شهادت امام حسین علیه السلام ذکر کرده است. این اثر توسط سید محمد جواد مرعشی نجفی به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۹۷ در قم منتشر شده است.

* منابع:

۱. ابن المغزالی شافعی، مناقب الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، دار الاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۴ق
۲. مرعشی نجفی، سید جواد، مناقب الامام علی علیه السلام (ترجمه مرعشی نجفی)، کتابخانه عمومی آیت اله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۵۶

عظمت شخصیت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر هیچ دوست و دشمنی پوشیده نیست، بنابراین افراد زیادی از سایر ادیان و مذاهب در تشریح ابعاد بی نظیر شخصیت ایشان دست به قلم برده اند، و در توصیف مناقب و شخصیت حضرتش کتاب ها نگاشته اند. کتابی که در این مجال در مورد فضایل حضرت امیر المؤمنین «علیه السلام» معرفی می گردد، کتاب «مناقب الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام» می باشد.

لازم است قبل از معرفی فصول کتاب و انگیزه نگارش آن مختصری در مورد نویسنده این کتاب ارزشمند توضیح داده شود. کتاب توسط «حافظ ابو حسن یا ابو محمد علی فرزند محمد» نگاشته شده است، مشهور به (ابن مغزالی) که معروفترین کتبه او است، واز لقب های ذیل برای ایشان استفاده می شود: جلائی، واسطی، و مورخ واسط و خطیب واسط» مغزالی از علمای اهل سنت می باشد، وفات او را سال ۴۸۳ نقل کرده اند.

وطن و زادگاه مؤلف

در شهر واسط دیده بدنیا گشود، و در آنجا رشد کرده و در اواخر عمر به بغداد انتقال یافته، و در آنجا دار فانی را وداع گفت.

مذهب و مسلک مؤلف

از نظر فروع پیرو مذهب شافعی می باشد که یکی از چهار مذهب رسمی اهل سنت است، از جهت اصول پیرو مکتب اشعری، همان طوری که طریقه بیشتر شافعی مذهبها می باشد، و در میان آنان کم پیدا می شود که به معتزلی ها یا ماتریدی ها و یا سایر مسالک و عقاید گرایش کرده باشند.

آنچه ذکر آن قابل تامل است انگیزه مؤلف از نگارش این کتاب می باشد:

مؤلف می نویسد: چون دوستی اهل بیت پیامبر و چنگ زدن به ریسمان ولایت ایشان را تنها روش و راه مستقیم یافتن، به اندازه شناخت خویش به جمع آوری فضائل ایشان از آیات قرآنی و فرمایشات نبوی و نیز ذکر معجزاتی که از جانب ایشان بروز کرده است پرداختم، تا بدین وسیله برای روز بازگشت ذخیره ای فراهم آورم و امید نجات داشته باشم.

برتریها و امتیازات کتاب مناقب

جناب مرعشی نجفی در مقدمه ترجمه این کتاب شریف امتیازات آن را این گونه می شمارد:

«این تألیف شریف برتریها و فضیلتها و مناقب بزرگ و مشهوری که در حق آقای ما امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام ثابت است، جامع می باشد مانند حدیث (غدیر) و المنزلة، و طبر، و مدینه العلم، و مواخات، و بذل خاتم در رکوع و حدیث (وصایتش برای پیامبر (ص) و برگرداندن آفتاب، و سایر احادیث که در فضائل و مناقب و خصوصیات او که آوازه آنها در پهنه آفاق و صحنه جهان گسترده است این کتاب دارا می باشد.

از امتیازاتی که این کتاب از آن برخوردار می باشد، یکی هم این است که، روایت های آن از دانشمندان حدیث و موثقان آنها و کسانی که در رأیشان ثابت و پا بر جای هستند نقل شده است، چنان که بر پژوهندگان و مراجعه کنندگان روشن و واضح می گردد. و از آنها یکی هم آن است که مؤلف بزرگوار بیشتر همت گماشته و سعی نموده بر اینکه احادیث را از محدثان معاصر و همزمان خود بدون واسطه نقل کند، تا سند روایت عالی گردد.

علی علیه السلام؛ مردی که دنیا او را نشناخت

فاطمه سادات رفیعی

کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآنی

آرام ترین و شیرین ترین دوران زندگی آن حضرت در آغوش پسر عم عزیزش محمد امین که هنوز به رسالت مبعوث نشده بود، آغاز فصل اول زندگی اوست. به عبارتی بنیان ترقی روحی و تکامل معنوی فرزند ابو طالب در همان زمان کودکی در دامان پیغمبر اکرم (ص) پایه گذاری شد.

روز طلوع اسلام که زمان غربت اسلام بود علی بن ای طالب علیه السلام داوطلبانه اسلام را پذیرفت و دوش به دوش رسول خدا (ص) در راه ترویج اسلام جان فشانی می کرد و آن همه رنج و ستم که در راه حمایت رسول خدا (ص) و تقویت اسلام می کشد، خوشدل بود و هرگز از این پیشامد ناراضی نبود.

برحادثه ترین قسمت زندگی علیه السلام از هجرت آغاز می شود، زیرا همه جنگ های زمان رسول اکرم (ص) در این زمان اتفاق افتاد. با این که با نشاط ترین قسمت زندگی انسان وقتی است که تازه با همسری شایسته ازدواج کرده باشد و با این که حضرت به همسر عزیزش فاطمه زهرا (س) علاقه داشت، در خطرناک ترین جنبه های جنگ بی پروا پیش می رفت و از کشته شدن در راه هدف خویش باک نداشت.

طولانی ترین دوران زندگی علی بعد از وفات رسول خدا (ص) ۲۵ سال طول کشید که سکوت تلخ را بر قیام ترجیح داد. فقط گاهی برای حل مشکلات علمی و کمک های فکری و مساعدت های نظامی به وی مراجعه می کردند.

بی دریغ هر گونه مساعدت می نمود حتی فرزندان خود را از جمله حسین بن علی علیه السلام را در فتح قسطنطنیه و فتح طرابلس و فتح آفریقای شمالی در ردیف سربازان اسلام شرکت داده بود.

باید گفت دنیای آن روز علی علیه السلام را نشناخت، حق او را ادا نکرد و این معنای در مجبور بودن قدر وی در زمان های بعد هم تأثیر مستقیم داشت.

کوتاه ترین دوران زندگی حضرت با اینکه با مشکلات و رنج ها و عذاب هایی از ناحیه مردم خصوصا رجال سیاسی متوجه حضرت شد طاقت فرساتراز مشکلاتی بود که قبل از این برای حضرت رخ داده بود. از زمانی که بعد از قتل عثمان زمام حکومت اسلامی را با اصرار به وی سپردند، تا پایان عمرش در حدود پنج سال طول کشید که تمام وقت ایشان و در واقع قسمت اعظم قدرت حکومت علی علیه السلام و بودجه دولت او در راه جنگ و سرکوبی گردنگشان سیاسی صرف شد. در این جنگ ها حدود چهار هزار سرباز او به خاک و خون غلطیدند و روح حساس و قلب مهربان ایشان از این تشنجات سیاسی به اندازه ای رنج می برد که با آن شرح صدر و وسعت فکر و قدرت عقلانی، مرگ خود را از خدا می طلبید و هنگامی که از این رنج و عذاب خلاص شد که چشم از این جهان فرو بست.

اگر بگوییم علی علیه السلام مردی است که قبل از حکومتش و در زمان حکومتش در خانه خدا (کعبه) متولد شد و در خانه خدا (مسجد کوفه) ضربت خورد و در راه خدا مجاهدت و فداکاری کرد و در راه خدا جان سپرد، ولی دنیای سرکش و بی عاطفه حق او را نشناخت و به حقیقت او پی نبرد.

در یکی از شریف ترین خانواده ها، بانویی پرورش یافت که در پاکدامنی و پارسایی گوی سبقت از بانوان عصر خود ربوده بود. این بانوی با شخصیت فرزندی به دنیا آورد که بعدا بر اثر شخصیت بزرگ جهانی این فرزند، نام این بانو همراه فرزندش شهرت جهانی یافت.

فاطمه، دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف، طبق معمول، برای انجام مراسم بندگی به مسجد الحرام رفته تا گرد خانه خدا، کعبه معظمه طواف کند و به درگاه پروردگار عالم عرض حاجت نماید. همسر پرهیزگار ابوطالب سرگرم طواف و انجام مراسم عبادت گشته است، او چه می داند که ممکن است در این حال حادثه غیرمنتظره ای پیش آید. او هیچ گاه فکر نمی کرد در حال طواف، گرفتار درد مخاض و وضع حمل شود.

ولی بر خلاف انتظار همان وقت که مشغول طواف بود یک نوع ناراحتی خاص در خود احساس کرد که حدس می زد مقدمه وضع حمل باشد. به اطراف خود نگریست تا شاید همسرش یا یکی از نزدیکان خود کسی را ببیند، از او کمک بخواهد ولی کسی را نیافت که به یاری خویش بطلبد.

کم کم حالش دگرگون شد. بانوی پرهیزگار وضع روحی عجیبی پیدا کرده بود. عجبا مگر ممکن است کسی در مسجد الحرام وضع حمل کند؟ بار الها چه کنم؟ من که قدرت ندارم به منزل بروم و کسی هم نیست به من کمک کند و مرا از مسجد الحرام بیرون ببرد. اگر در کنار کعبه طفل من به دنیا بیاید به من چه خواهند گفت؟ آیا راه خلاصی هست؟ آیا ممکن است فضل خداوندی ات مرا از این بن بست نجات دهد؟

بانوی دل شکسته از شدت درد به خود می پیچد و دیگر نمی تواند آرام بگیرد. آن بانوی مضطرب، به پرده کعبه در آویخته و راز نهانی و سوزدل خود را با خدای خود در میان گذاشته، همسر ابو طالب در حالیکه عنایت مخصوص خداوند شامل حال او شده، به درون خانه خدا رفت و از انظار غایب گشت. کسی نمی داند در اندرون بیت الله بر آن بانو چه گذشت. اما کمی بعد صدای نوزادی را شنیدند که همچون زمزمه مرغ سحر به گوش می رسید.

در سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از «عام الفیل» فاطمه بنت اسد هنگامی که از کعبه بیرون آمد، نوزاد پسری در آغوش داشت که چهارمین پسر ابوطالب به شمار می رفت و این نوزاد علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

ابوطالب از تولد این پسر آن هم در خانه کعبه، غرق شادی گشت و این به خاطر این بود که شریف ترین مکان در نزد عرب حرم مکه بود و شریف ترین مکان حرم مسجدالحرام بود و شریف ترین نقطه مسجدالحرام کعبه معظمه بود. با تولد این فرزند در خانه کعبه بر احترام و شخصیت ابوطالب افزوده گشت.

علم النافع

سمیرا کرمانی

نقش جامعه در نفی فرهنگ فقر

علی اعرابی

نقش حکومت در ریشه کن شدن فرهنگ فقر:

اگر مسوولین جامعه مسوولیت خود را به خوبی انجام دهند و در سدد خدمت به مردم باشند می شود گفت دیگر معضلی به نام فقر در جامعه به یک فرهنگ تبدیل نمی شود و این خدمت به مردم از راه های مختلفی صورت می گیرد از جمله: عدم فساد در حکومت داری، مبارزه با احتکار، عدم نگاه تبعیض آمیز در جامعه و از همه مهم تر مبارزه با رانت خواری و به قولی پارتی بازی. این موارد شاید در نگاه اول ارتباطی به ایجاد فرهنگ فقر در جامعه نداشته باشند اما با توجه به حدیثی که گفته شد (الناس علی دین ملوکهم) مردم این رفتار را از مسوولین یاد گرفته و انجام میدهند، با قبح شکنی این موضوع کم کم فقر در جامعه به حدی میرسد که دیگر در جامعه حد میانه وجود ندارد و مردم به دو دسته تقسیم می شوند، دسته اول کسانی که به شدت پول دارند و از مرفحان بی درد شمرده می شوند و دسته دوم مردمانی هستند که به شدت فقیر هستند و از این فقر رنج می برند و با توجه به سخن امام علی علیه السلام هیچ فقری به وجود نمی آید مگر بوسیله ظلم ثروتمندی، روشن می شود که این ثروتی که آن ها دارند حق خودشان نیست بلکه حق آن مردمی است که دارند از فقر و نداری رنج می کشند و تمام اینها از بی توجهی مسوولین به مقوله فقر در جامعه نشئت گرفته است. امام علی در نامه ۲۰ نهج البلاغه به زیاد ابن ابیه قائم مقام عبدالله ابن عباس هشدار میدهد و می گوید اگر خبری به من برسد که تو به دارایی های عمومی مردم خیانت کرده ای چنان با تو برخورد می کنم و به تو سخت می گیرم که محتاج نان خانواده ات شوی. وقتی یک حاکم اینطور با زیر مجموعه خود محکم برخورد می کند به قول معروف حساب کار دست بقیه می آید و دیگر حواسشان را جمع می کنند که خطایی در مسوولیتشان رخ ندهد.

نقش خانواده در ریشه کن شدن فرهنگ فقر:

خانواده ای که فضای مناسبی برای اعضای خود داشته باشد می تواند در ریشه کن شدن این معضل نقش مهمی را ایفا کند به طوری که اگر فضای خانواده به صورتی باشد که فضای اعتیاد یا مشکلات دیگر را فراهم نکند دیگر معضلی به نام فقر هم در جامعه بوجود نمی آید. امیر المومنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزند خودشان می فرمایند که من از فقر برای تو میترسم زیرا فقر اگر وارد خانه ای شود ایمان از آن خانه می رود. حضرت در این حدیث از باب پدران پسر خویش را نصیحت کرده و این کاری است که تمام والدین باید برای فرزندان خود انجام دهند.

یکی از کار هایی که خانواده می تواند در ریشه کن کردن فرهنگ فقر انجام دهد همان کاری است که خانواده حضرت علی علیه السلام انجام دادند که قرآن درین باره می فرماید: و يطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمها و اسیرا در تفسیر این آیه آمده که حضرت با این که خودشان می خواستند و نیاز داشتند با این حال ایثار کردند و فرهنگ ایثار اگر در جامعه حاکم شود فرهنگ فقر کم رنگ و بلکه ریشه کن می شود.

یکی از کار های مهمی که خانواده می تواند در بحث کاهش فرهنگ فقر انجام دهد این است که تجمل گرایی و مصرف گرایی نداشته باشند مثلا اینکه وسایل زندگی را بر اساس تجمل تهیه نکنند یا اینکه در زندگی چشم و هم چشمی به قولی نداشته باشد، تمام این موارد در کاهش فرهنگ فقر تاثیر دارد.

نقش سیستم اجتماعی در ریشه کن شدن فرهنگ فقر: اگر سیستم اجتماعی طوری باشد که به جای فرهنگ فقر فرهنگ هایی مثل ایثار و از خود گذشتگی در جامعه حاکم شود خود به خود فرهنگ های منفی از بین می رود. مثلا اگر قناعت و ایثار جایگزین فرهنگ فقر شود دیگر کسی به فرهنگ فقر بها نمی دهد و این کار را جامعه باید انجام دهد.

نقل است یکی از یاران امیرمؤمنان به نام همام از حضرت خواست اهل تقوا را به گونه ای برای او بیان کنند که گویی آنان را می بیند. حضرت در پاسخ درنگی کرده و فرمودند: ای همام، از خدا بترس و کار نیک کن.

اما همام به این مقدار قانع نشد و حضرت را قسم داد که خواسته اش را اجابت کنند. آنگاه حضرت پس از حمد و ستایش الهی به بیان اوصاف پرهیزکاران پرداختند.

راوی می گوید: انتهای بیان خطبه ی حضرت ناگهان همام فریادی بر آورده و در دم جان داد.

حضرت فرمودند: سو گند به خداوند از همین رویداد بر وی بیم داشتم..

اندرزهای بلیغ با اهلس این چنین میکنند!

این خطبه که عنوان بهترین خطبه ی اخلاقی نهج البلاغه را به خود اختصاص داده است، خطبه ی ۱۹۳ نهج البلاغه هست که به خطبه ی همام معروف است.

شما مخاطبان را میهمان فرازی از این خطبه نورانی کرده ایم: **وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ.** (متقین) گوششان را تنها برای علم نافع وقف میکنند.

این فراز از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام با همه ی جهانگردان علم، دانشجویان، طلاب و... تناسب زیادی دارد.

حضرت در ضمن بیان اوصاف متقین، اهمیت علم آموزی را به ما تأکید می کنند.

روی سخن با ما جهادگران علم در رابطه با علم نافع هست که ارزش و اهمیت دارد و بدان توصیه و تأکید شده، در حالیکه علم غیر نافع مضرات بسیار فراوانی دارد که باید از آنها پرهیز شود در غیر این صورت ضرر های جبران ناپذیری به ارمغان می آورد.

به عنوان مثال انبوه آگاهی ها کمکی به عالم شدن انسان نمیکند، بلکه انباشت آگاهی ها و اطلاعات پراکنده ای که استفاده ی آگاهانه ای از آن نشود منافات زیادی با رشد انسان دارد و انسان را سطحی بار می آورد و قدرت تشخیص حق و باطل، قدرت تحلیل، تفکر خلاق و... را از ما می گیرد.

بنابراین علم به همان مقدار که بسیار مفید و نافع هست، انبوه آگاهی های غیر نافع می تواند بسیار خطرناک باشد. لذا در ارتباط با مرزهای علم باید بسیار حساسیت به خرج داد.

حتی میتوان گفت ریشه ی بسیاری از گناهان ما ناشی از همین علم و آگاهی بی مورد و غیر نافع هست، اینکه خداوند متعال در قرآن کریم به ما دستور میدهد ولا تجسسوا... (سوره حجرات، آیه ۱۲) علاوه بر اینکه آبروی دیگران حفظ شود، جنبه ی عمیق تری نیز دارد و آن اینکه این آگاهی زیادی برای خودمان مضر هست. ریشه ی بسیاری از حسادت ها و مشکلات خانوادگی و هوسرانی ها و... همین علم و آگاهی نابجاست.

بنابراین آگاهی هایی که به ما می رسد اگر هدف مند و کامل نباشد نتیجه ای جز تلخ کامی ما در زندگی نخواهد داشت.

مصحف امام علی علیه السلام

دکتر محسن رجبی قدسی
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

بر پایه آیه هفدهم سوره قیامت: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» و آیه نهم سوره حجر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»، خداوند جمع قرآن را به موازاتِ اِقرَاء و قرائتِ قرآن به عهده گرفته و حفظ و نگهداری آن را برای همیشه تضمین کرده است.

قرآن در عهد نبوی با آموزش و نظارت دقیق ایشان به همین ترتیب کنونی (سوره حمد تا سوره ناس) که به تواتر به دست ما رسیده است، گردآوری و تدوین شد.^۱ سید مرتضی (۴۳۶ق) فقیه، محدث و متکلم زبردست امامیه بر این باور است که «قرآن در زمان رسول خدا به همین ترتیب کنونی جمع و تدوین شد؛ زیرا قرآن محور اصلی تعلیم و تعلم بود و همه متن آن در همان زمان حفظ و تثبیت می‌شد. گروهی از صحابه قرآن را بارها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه و ختم کردند. این دلائل با اندک تأملی، دلالت بر این دارند که قرآن یک مجموعه مرتب و مدون بوده و آیات و سوره‌های آن پراکنده و گسسته نبوده‌اند. بنابراین، نباید از این دلائل معلوم و درست و قطعی دست کشید و به بعضی اخبار ضعیف که برخی اصحاب حدیث آنها را صحیح پنداشته و گزارش کرده‌اند و برخی امامیه و حشویه به آنها اعتماد کرده‌اند، اعتنا کرد.»^۲

امام علی علیه السلام در عهد نبوی، کاتب وحی و صاحب مصحف بودند.^۳ بنابراین، در تحلیل روایتی که از آن حضرت به‌عنوان نخستین گردآورنده قرآن پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله یاد می‌شود، به فرض صحت صدور آن می‌توان چهار فرضیه را براساس آنچه در روایات گزارش شده‌اند، مطرح کرد:

فرضیه یکم: بایگانی دست‌نوشته‌های اولیّه قرآن

دست‌نوشته‌های آغازین قرآن بر روی صحیفه‌ها، حریرها و قراطیس (کاغذها) در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله نگهداری می‌شدند. آن حضرت، به امام علی علیه السلام وصیت فرمود: «آنها را جمع‌آوری کنید و مانند یهودیان که تورات را ضایع کردند، آنها را ضایع نکنید». حضرت علی علیه السلام نیز آنها را جمع کرد و داخل پارچه‌ای زرد رنگ قرار داد و بر سر آن مهر زد^۴ و آنها را به مسجد برد و در حضور مسلمانان اعلام کرد که این کتاب خداست که بر محمد نازل شده بود... به خدا سوگند، از این پس، هرگز آن را نخواهید دید...^۵

گویا امام علی علیه السلام دست‌نوشته‌های آغازین قرآن را بایگانی کردند تا زمینه هرگونه سوء استفاده احتمالی از میان برود؛ و برای مثال، افرادی با برگه‌هایی دروغین مدعی نشوند که قرائت و کتابت فلان کلمه این‌گونه بوده یا جایگاه فلان آیه آن جا بوده است.

این واقعه تحریف و ادعا شده است که حضرت علی علیه السلام مصحف‌شان را به مسجد بردند و با واکنش منفی حاضران در مسجد رو به رو شدند و آنان مصحف ایشان را نپذیرفتند: «أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ عَلَيَّ إِلَى النَّاسِ حَيْثُ فَرَعَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ جَمَعْتُهُ بَيْنَ اللّٰوْحَيْنِ. قَالُوا: هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لِحَاجَةِ لَنَا فِيهِ. قَالَ: ... إِمَّا كَانَ عَلِيٌّ أَنْ أَخْبَرَكُمْ بِهِ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَؤُوهُ»^۶؛ علی علیه السلام پس از کتابت مصحفش، آن را نزد مردم برد و فرمود: این کتاب خداست آن‌چنان که خدا بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است و من آن را میان دو لوح قرار داده‌ام. گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن گرد آمده است و به مصحف تو نیازی نداریم. علی علیه السلام فرمود: ... بر من لازم بود پس از فراهم آوردن آن، شما را آگاه کنم تا آن را بخوانید.



عَلَمَةُ مَجْلَسِي سِنْدِ خَبَرِ فَوْقِ رَا ضَعِيفِ دَانِسْتِهٖ ^۸ و متن خبر (جمع قرآن برای نخستین بار به دست امام علی علیه السلام و بردن آن به مسجد و...) نیز از دیدگاه آیت الله بروجردی (۱۳۴۰ش) - از مراجع عظام تقلید در سده اخیر - جعلی است. ایشان معتقدند: «جمع قرآن قطعاً بدان گونه که اکنون در دست ماست در زمان پیامبر اکرم سامان یافته است»؛ از این رو، ایشان روایات شیعه و سنی را که بیانگر جمع قرآن پس از پیامبر است، مجعول و «موضوع» (ساختگی) می‌داند. به باور ایشان، «هدف عامه (اهل سنت) از نقل این روایات، بیان فضیلت ابوبکر و عمر و نشان دادن خدمت آن دو به اسلام است؛ ... در روایات آنان، جمع قرآن به دست علی علیه السلام دلیل حضور نیافتن آن حضرت در مسجد و بیعت با ابوبکر دانسته شده است. شیعه نیز در ادامه این روایت افزوده است: علی علیه السلام پس از جمع قرآن، آن را به مسجد برد، ولی آنان نپذیرفتند. از گزارش این گونه روایات می‌فهمیم که هر دو فرقه، خواهان بیان مناقب و تنزیه ائمه خویش از هرگونه خطایند، ولی نمی‌دانند با نقل این گونه روایات جعلی چه بر سر کتاب خدا آورده‌اند!»^۹ به این روایات توجه کنید:

- «أَنَّ عَلِيًّا ... كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ»؛^{۱۰}
- «أَعْظَمُ النَّاسِ أَجْرًا فِي الْمَصَاحِفِ أَبُو بَكْرٍ ... كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ»؛^{۱۱}
- «عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ ... أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فِي الصُّحُفِ»؛^{۱۲}
- «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فِي مُصْحَفٍ وَكَتَبَهُ عُمَانُ بْنُ عَفَّانٍ».^{۱۳}

فرضیه دوم: کتابت دوباره قرآن

حضرت علی علیه السلام به منظور تثبیت و ترویج بیشتر متن مکتوب قرآن در میان مسلمانان، مصحفی دیگر را کتابت و تدوین کرد: «كَانَ الْقُرْآنُ يُزَادُ فِيهِ [فَأَيُّ حَشِيئَةٍ أَنْ يُنْقَلَبَ الْقُرْآنُ]»^{۱۴} فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ جَعَلْتُ عَلَيَّ أَنْ لَا أَرْتَدِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ حَتَّى أَجْمَعَهُ لِلنَّاسِ؛ در قرآن زیادتی وارد می‌شود، [ترسیدم موجب تغییر و آشفتگی قرآن گردد]؛ پس از رحلت رسول خدا تصمیم گرفتم جز برای اقامه نماز ردا به دوش نگیرم (از منزل خارج نشوم) تا قرآن را برای مردم گرد آورم؛ بی‌آنکه حرفی به آن افزوده یا از آن کاسته شده باشد: کان امیرالمؤمنین علیه السلام جَمَعَهُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِهِ قَالَ: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ».^{۱۵}

فرضیه سوم: گردآوری تنزیل و تأویل قرآن

منظور از جمع قرآن توسط امام علی علیه السلام، چیزی فراتر از متن متواتر قرآن بوده است. سُلَيم بن قيس هلالی (د. حدود ۸۵ق) به نقل از سلمان فارسی (۳۶دق) آورده است: «كَتَبَهُ بِيَدِهِ تَنْزِيلُهُ وَ تَأْوِيلُهُ، وَ النَّاسِخُ مِنْهُ وَ الْمَنْسُوخُ»^{۱۶}؛ علی علیه السلام با دست خویش تنزیل و تأویل، و ناسخ و منسوخ قرآن را نوشت. از محمد بن سیرین (۱۱۰دق) نیز نقل شده است: «فَرَعَمُوا أَنَّهُ كَتَبَهُ عَلَيَّ تَنْزِيلَهُ، فَلَوْ أُصِيبَ ذَلِكَ الْكِتَابُ كَانَ فِيهِ عِلْمٌ»^{۱۷} [کثیر]^{۱۸}؛ گمان می‌کنند علی علیه السلام قرآن را بر اساس تنزیلش نوشت، اگر به آن کتاب دسترسی باشد در آن علم بسیاری است. «فَنَبِئْتُ أَنَّهُ كَتَبَ الْمَنْسُوخَ وَ كَتَبَ النَّاسِخَ»^{۱۹}؛ با خبر شدم علی علیه السلام ناسخ و منسوخ را در آن نوشت.

بنابر دیدگاه ابن عبد البر (۶۳دق) - فقیه، محدث، تاریخ‌نگار و ادیب اندلسی - که جمع قرآن از سوی علی بن ابی‌طالب را بر اساس نزول قرآن بر هفت حرف می‌داند^{۲۰}؛ به نظر می‌رسد منظور از «ناسخ»، قرائت معیار، همگانی و تثبیت شده قرآن در میان مردم بوده است؛ و مراد از «منسوخ»، قرائات خارج از متن متواتر قرآن باشد؛ یا اینکه در مصحف امام علیه السلام، آیات هم موضوع که به ظاهر مخالف یکدیگرند، ولی در حقیقت ناظر به شرایط مختلف اند در کنار هم ثبت شده بودند تا معلوم باشد هر کدام به چه موقعیت و شرایطی مربوط است. ابوحاتم [سجستانی (۲۵۵ق)] گفته است: علی علیه السلام آیات مشابه را کنار هم قرار داد^{۲۱}؛ یعنی، آن حضرت آیات ناظر به یک موضوع که در سوره‌های مختلف پراکنده‌اند را در کنار هم ثبت کردند.

برای نمونه، می‌توان همه آیات مربوط به «صلاة» را با نظم خاصی کنار هم آورد. تاکنون «تأویل» در روایات فوق را حقایقی که آیات ناظر بر آن است^{۳۲} یا مصادیق آیات دانسته‌اند؛ اعم از آنهایی که در زمان نزول قرآن وجود داشتند یا آنهایی که پس از آن به وجود آمدند.^{۳۳}

درباره «تنزیل» نیز چهار دیدگاه مطرح شده است: ۱. امام به زمان نزول آیات آگاهی کامل داشتند. از این رو، سوره‌ها را به ترتیب تاریخ نزول ثبت کردند؛ ۲. امیرمؤمنان همه کلمات را دقیقاً همان‌طور که بر رسول خدا نازل و کتابت شده بود، نوشتند؛ ۳. مولا علی علیه السلام سبب نزول آیات، یعنی حوادث و پرسش‌هایی که در پی آن، آیات نازل شدند را مکتوب کردند؛ ۴. اگر تنزیل به معنای تفسیر باشد، در مصحف علی علیه السلام توضیحاتی درباره آیات قرآن به نگارش درآمده بود.^{۳۴}

به هر روی، افزوده‌های مصحف امام علی علیه السلام برگرفته از قرآن و تدبیر در آن بوده است؛ امام فرموده‌اند: «وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللّٰوْحَيْنِ»^{۳۵}؛ آن را از محتوای قرآن که میان دو لوح است، فراهم آوردم. عبدخیر [بن یزید] از یاران علی علیه السلام در صِغین، گفته است: «جَمَعَهُ مِنْ قَلْبِهِ»^{۳۶}؛ آن را از روی قلبش فراهم آورد و آن نخستین مصحفی بود که از قلب آن حضرت فراهم آمد: «فَهُوَ أَوَّلُ مُصْحَفٍ جَمَعَ فِيهِ الْقُرْآنَ مِنْ قَلْبِهِ».^{۳۷}

طلحه در آغاز خلافت امام علی علیه السلام به ایشان می‌گوید: آنچه را شما کتابت و تألیف کرده‌اید ندیده‌ام. سپس از آن حضرت می‌خواهد قرآن دست‌نوشته خویش و تأویل آن و علم حلال و حرام را در اختیار مردم قرار دهد، امام پیشنهاد او را با این استدلال که قرآن در اختیار مردم است، بنابراین عمل به آن موجب نجات و رستگاری است، نمی‌پذیرد. طلحه گوید: پس آنها را به چه کسی می‌سپارید؟ فرمود: به فرزندم حسن [می‌سپارم].^{۳۸} از همین رو، ابن‌سیرین گوید: «در پی یافتن این مصحف بودم و به مدینه نامه نوشتم، ولی به آن دست نیافتم».^{۳۹}

بنابراین، بایسته است میان این مصحف با مصحف‌های دیگری که حضرت علی علیه السلام در آن فقط متن خالص قرآن را بدون هیچ پیرایه‌ای کتابت کرده‌اند، تفاوت گذاشت.^{۴۰} ابن‌ندیم (۳۸۰دق)، مصحف امام علی علیه السلام [حاوی متن خالص قرآن] را در دست ابویعلی حمزه حسنی دیده که به توارث میان فرزندان [امام] حسن علیه السلام دست به دست می‌گشته است.^{۴۱}

المستعصم بالله (۶۵۶ق) آخرین خلیفه عباسی، مصحفی به خط امام علی علیه السلام را از بغداد به باخرزی، ابوالعالی سیف‌الدین سعید بن مطهر، از مشایخ بزرگ طریقه کُبرویه در بخارا هدیه کرد. مصحف منسوب به امام علی علیه السلام در صنعا، یمن، در سال ۱۴۳۲ق/ ۲۰۱۱م؛ و مصحف شماره یک آستان قدس رضوی منسوب به حضرت علی علیه السلام در سال ۱۳۹۶ با تحقیق طیار آلتی قولاج، محقق اهل ترکیه، به چاپ رسیده است.

فرضیه چهارم: تدوین آموزه‌های قرآن‌شناختی پیامبر اکرم

مولا علی علیه السلام همپای نزول تدریجی قرآن، آموزه‌های رسول خدا ذیل آیات قرآن را مکتوب می‌کرد، چه بسا منظور از جمع قرآن ایشان، تدوین و تنظیم همان آموزه‌ها بوده باشد. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «من هر روز یک مرتبه و هر شب یک مرتبه نزد پیغمبر می‌رفتم ... هر آیه‌ای از قرآن که بر ایشان نازل می‌شد آن را بر من إقراء می‌کرد (می‌خواند تا من نیز یاد بگیرم)، سپس املا می‌فرمود و من با خط خودم می‌نوشتم؛ تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را نیز به من می‌آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید - از آن زمان، هیچ آیه‌ای از کتاب خدا و علمی را که پیامبر بر من املا کرد و آن را نوشتم، فراموش نکرده‌ام - ... سپس دستش را بر سینه‌ام گذاشت و از خدا خواست قلبم را از علم و فهم و نور و حکمت لبریز کند».^{۴۲} جبلة بن سحیم (۱۲۵دق) از پدرش نقل کرد که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «اگر برایم مسندی نهاده شود و حقم شناخته گردد، مصحفی را که با املا رسول خدا نوشته‌ام، بر آنان ارائه خواهم کرد».^{۴۳}

مدت تألیف و تدوین مصحف علی علیه السلام را سه روز^{۴۴}، یک هفته^{۴۵} و شش‌ماه^{۴۶} گزارش کرده‌اند.

از آنجا که حضرت علی علیه السلام، آگاه‌ترین و عالم‌ترین صحابی رسول خدا به قرآن است، برخی، «هذا کتابُ اللهِ قد أَلْفَتُهُ ... کَمَا أُنزِلُ» (این کتاب خداست و آن را همان‌گونه که نازل شده تألیف کرده‌ام) و «فَأَلْفَهُ کَمَا أَنْزَلَهُ اللهُ وَ کَانَ بِهِ عَالِمًا»^{۴۷}؛ (قرآن را همان‌گونه که خداوند نازل کرده بود، تألیف کرد و به آن عالم بود) را به معنای اینکه مصحف حضرت علی علیه السلام به ترتیب نزول بوده است، پنداشته‌اند.^{۴۸}



اما تعبیر «گما أنزل» می‌تواند ناظر بر دقیق بودن متن مصحف آن حضرت باشد، چنان‌که در گزارش شیخ صدوق آمده است: «هذا کتاب ربکم گما أنزل علی نبیکم، لم یزد فیهِ حرفٌ و لم ینقص منه حرفٌ»^{۳۹}. همچنین فهرست موجود در منابع از ترتیب سوره‌ها در مصحف امام علی (ع) مختلف است که به ترتیب نزول تدریجی بودن آن را تأیید نمی‌کند.^{۴۰}

پرسش از ترتیب نزول تدریجی قرآن از اواخر سده یکم هجری مطرح بوده است. ابن‌سیرین از عکرمه (۱۰۷د) پرسید: «آیا مصحف را به ترتیب نزول تألیف کردند؟! عکرمه گفت: اگر جن و انس دست کمک به یکدیگر دهند تا آن را مطابق ترتیب نزول تألیف کنند، از عهده آن بر نمی‌آیند».

برای دست‌یابی به ترتیب نزول سوره‌ها و بازآرایی آنها تلاش‌های نافرجامی انجام گرفته است^{۴۱}، ولی ترتیب‌های روایت‌شده یا پیشنهادشده گرچه برای بعضی از سوره‌ها درست می‌نماید، ولی برای بیشتر سوره‌ها دقیق و قابل دفاع نیست؛ زیرا پیامبر اکرم قرآن را براساس نزول دفعی، تدوین و تألیف کردند تا با قرآن همانند یک کتاب تاریخی که فقط مربوط به یک دوره زمانی و مردمانی خاص بوده است، رفتار نشود؛ و اگر شناخت ترتیب نزول و اسباب نزول آنچنان اهمیت و ضرورتی در فهم قرآن می‌داشت، رسول خدا به شیوه‌های گوناگون آن را به صحابه تعلیم می‌دادند و بر نقش و جایگاه آن تأکید می‌کردند.

بنابراین بایسته است در شناخت ویژگی‌های یادشده برای مصحف امام علی (ع) دقت کرد تا با دیگر تعالیم آن حضرت و ائمه طاهرین (ع) در تعارض نباشد. زیرا بر پایه قرآن‌شناسی امام علی (ع) و دیگر ائمه اهل‌بیت (ع) که مستند به قرآن و آموزه‌های نبوی است، اولاً، قرآن کلام‌الله است^{۴۲} و فرا زمانی، فرا مکانی، فرا زبانی و فرا فرهنگی از ویژگی‌های اصلی آن است؛ به‌طوری که همه مردم در هر عصر و مکانی، مخاطب پیام رحمت‌آفرین آن هستند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «اگر آیه‌ای از قرآن فقط برای قومی خاص نازل شده بود، با مُردن آن قوم، آیه نیز می‌مرد، ولی [این‌گونه نیست] قرآن از آغاز تا فرجامش - تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برپاست - [زنده] و جاری است». همچنین فرموده‌اند: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ»^{۴۳}؛ به راستی که قرآن زنده [و جاوید] است و [هرگز] نمی‌میرد. علامه طباطبایی نیز معتقد است: «اساساً مقاصد عالیة قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی می‌باشند، در استفاده خود از آیات کریمه قرآن، نیازی قابل توجه، یا هیچ نیازی به اسباب نزول ندارند»^{۴۴}.

ثانیاً، هریک از این علوم و اصطلاحات (یعنی تنزیل و تأویل، ظاهر و باطن، نسخ و منسوخ و محکم و متشابه) و نحوه استناد اهل‌بیت (ع) به آنها، بیانگر ماهیت قرآن و مبانی اصیل قرآن‌شناسی و انعطاف‌پذیری احکام و معارف آن در مقابل شرایط مختلف انسان‌ها و چگونگی تعامل درست با آن است. از این‌رو، گفتار، رفتار و تقریرات پیامبر اکرم و ائمه طاهرین (ع) در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فرهنگی و نظامی، و تجاری و حقوقی، همگی تبیین و تفسیر عملی قرآن و ارجاع متشابهات قرآن به محک‌های آن و ارائه تأویلات آن مطابق با شرایط زمان و مکان و مخاطبان گوناگون آن بوده است^{۴۵} که خوشبختانه در قالب احادیث و سیره برای ما باقی مانده‌اند: «وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ؛ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ» (انعام، ۱۴۹؛ طلاق، ۳).

بنابراین، تأویل قرآن، ارجاع متشابهات به محک‌های نسخ و منسوخ قرآن محدود و ایستا نیست^{۴۶} به‌گونه‌ای که بتوان آنها را در یک مدت کوتاه ثبت کرد، بلکه همواره زایا و پویا و مانند خورشید و ماه در جریان است^{۴۷}: «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (لقمان، ۲۷)؛ «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (کهف، ۱۰۹).^{۴۸}

اصولاً حضرت علی (ع) تأویل قرآن را شبیه کلام بشر نمی‌داند تا قابل نگارش باشد: «هو کلامُ اللَّهِ وتأویلهُ لا یشبهُ کلامَ البَشَرِ». امام علی (ع) با بندگی خداوند و شاگردی در محضر کلام خدا و رسول خدا و حمل قرآن و تدبیر در آن، همه آن علوم را فراگرفته و در قلب و ذهن خویش استوار ساخته و در عمل، آن را به منصفه ظهور رسانیده است^{۴۹}. از این‌رو مولا علی (ع) فرمود: «اگر می‌خواستم می‌توانستم برای سوره فاتحه‌الکتاب تفسیری بنویسم که آن را بر ۷۰ شتر بار کنم»^{۵۰}.

ابن‌مسعود گوید: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هر حرف آن ظاهر و باطنی دارد که علی بن ابی‌طالب دارنده دانش ظاهر و باطن [قرآن] است»^{۵۱}.

امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «کسی جز اوصیا [ی‌الهی] نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن، یعنی ظاهر و باطن آن را گردآورده است»^{۵۲}.

پاورقی ها:

۱. برای مطالعه ۱۲ دلیل روایی جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی نک: رجبی قدسی، تاریخ کتابت قرآن کریم و قرائات (تاریخ قرآن)، ص ۴۳-۴۷.
۲. سید مرتضی، الذخیره فی علم الکلام، ص ۳۶۳.
۳. حسکافی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵.
۴. ر.ک: حکیم، علوم قرآنی، ص ۱۱۷.
۵. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۵۱.
۶. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.
۷. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۳.
۸. «محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن عبد الرحمن بن ابي هاشم عن سالم بن سلمة» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۵۲۳).
۹. موسوی دارابی، نُصُوصٌ فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۴۴-۱۴۵.
۱۰. ابن سلیمان کوفی، مناقب الإمام أميرالمؤمنین، ص ۲۹۲، ج ۲۱۲.
۱۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص ۳۵۴.
۱۲. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۱۳.
۱۳. ابن شهبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۷.
۱۴. حسکافی، شواهد التنزیل، ص ۳۷. «يَقْلَبُ» نیز خوانده شده است (صنعانی، المصنّف، ج ۵، ص ۴۵۰، ح ۹۷۶۵).
۱۵. صدوق، اعتقادات الإمامیه، ص ۸۶.
۱۶. کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۳. در الاحتجاج (ج ۱، ص ۳۸۳)، عبارت «والمحكّم والمتشابه» نیز افزوده شده است.
۱۷. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۸. حسکافی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸.
۱۹. همان جا؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۳.
۲۰. ابن عبدالبر، الاستذکار، ج ۲، ص ۴۸۵.
۲۱. شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص ۱۲۰.
۲۲. ایازی، مصحف امام علی، ص ۱۱۸.
۲۳. نکونام، پژوهشی در مصحف امام علی، ص ۲۲۷.
۲۴. ایازی، مصحف امام علی، ص ۱۱۹-۱۲۱.
۲۵. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۵۲۳.
۲۶. حسکافی، شواهد التنزیل، ص ۳۶. نیز ر.ک: ابن فارس، الصحابی فی فقه اللغه، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۲۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۵-۴۶.
۲۸. سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۸۵-۸۸.
۲۹. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۸۳.
۳۰. شهرستانی، مصحف امیرالمؤمنین علی، ص ۴۸-۵۱؛ کورانی، تدوین القرآن، ص ۳۵۱-۳۵۲.
۳۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۶. ابن فارس (۳۹۵ق) آن را قرین و همراه آل جعفر دانسته است (الصحابی فی فقه اللغه، ص ۱۵۱-۱۵۲).
۳۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۶۷.
۳۳. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۱.
۳۴. ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۵.
۳۵. صدوق، التوحید، ص ۷۳.
۳۶. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۱.
۳۷. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۱.
۳۸. مفید، المسائل السرویه، ص ۷۹؛ ابن جزّی کلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۱۲؛ نکونام، پژوهشی در مصحف امام علی، ص ۹۹-۱۰۷. برای نقد آن ر.ک: ایازی، مصحف امام علی، ص ۸۱-۱۱۱؛ مهدوی راد، آفاق تفسیر، ص ۹۸-۱۰۴ و ۳۷۱.
۳۹. صدوق، اعتقادات الامامیه، ص ۸۶.
۴۰. ر.ک: یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۹۲-۹۳؛ شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۹؛ رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۶۲.
۴۱. برای فهرستی از آن تلاش ها ر.ک: موسوی دارابی، نُصُوصٌ فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۷۱۷-۷۷۲.
۴۲. توبه، آیه ۶؛ بقره، آیه ۷۵؛ فتح، آیه ۲۵.
۴۳. فرات کوفی، تفسیر، ص ۱۳۸-۱۳۹.
۴۴. طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۲۰.
۴۵. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۸؛ صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۵-۱۹۸؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۵۸.
۴۶. ر.ک: خامنه‌ای، بیان قرآن: تفسیر سوره برائت، ص ۳۱-۱۰۳-۱۰۵.
۴۷. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۶؛ امام باقر: «يَطْنَهُ [القرآن] تَأْوِيلُهُ ... يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ».
۴۸. فیض کاشانی، الصّافی، ج ۱، ص ۳۳.
۴۹. چنان که می فرماید: «والله ما نزلت آیه وقد علمتُ فیما نزلت وأین نزلت وعلى من نزلت: إنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا و لِسَانًا طَلْقًا» (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۵۷؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۷)؛ «إِنَّ هَاهُنَا لَعَلَمًا جَمًّا - وَأَشَارٌ إِلَى صَدْرِهِ يَبْدُهُ» (نهج البلاغه، کلام ۱۴۷).
۵۰. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۹۲؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۸۳.
۵۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۵.
۵۲. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

بریده ای از کتاب

زینب ادیب نژاد

کتاب علی علیه السلام از زبان علی علیه السلام

کتاب «علی از زبان علی» یکی از زندگی‌نامه‌ها درباره امیرالمؤمنین علیه السلام است که از زبان حضرت علی علیه السلام با استفاده از منابع دست‌اول و مطمئن شیعه و اهل سنت به قلم حجت‌الاسلام محمد محمدیان نوشته شده است. این کتاب در بردارنده گزارش‌های تاریخی و روایی بر اساس سیر طبیعی گفتارهای اجتماعی سیاسی است.

علی علیه السلام از زبان علی علیه السلام از ۱۰ فصل: دوران مکه، دوران مدینه، دوران خلفا، دوران خلافت، دوران جنگ جمل، دوران جنگ صفین، دوران حکمیت، دوران جنگ نهروان، دوران غارت‌ها و دوران شهادت تشکیل شده است. پاسخ به برخی از مهمترین شبهات از تاریخ زندگانی امیرالمؤمنین، نظیر دلایل صرف نظر کردن حضرت از جنگیدن در مسئله خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله یا دلایل پذیرش حکمیت در حالی که حضرت خود را بر حق می‌دانستند، آن هم از زبان خود حضرت و به نقل از منابع معتبر از نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود.

معاویه وحشی‌ترین و خونخوارترین فرد را برای غارت حجاز و یمن انتخاب کرد و او کسی نبود جز بُسر بن اطرطه که در سنگ‌دلی و خشونت‌ورزی شهره بود.

خطبه‌ای برای بسیج مردم با هدف مقابله با غارتگری بُسر ایراد کردم: «ای مردم، از روزی تفرقه میان شما رخ داد و توان شما را به نقصان گذاشت که اهل خرد و صاحبان رأی از میان شما رخت بر بستند...

من شما را بارها و بارها، در نهان و آشکار، در شب و روز، در صبح و شام، فرا خواندم؛ ولی اجابت که نکردید هیچ بیشتر پراکنده شدید و پا به فرار گذاشتید. آیا نصیحت و دعوت به هدایت و حکمت برای شما سودی ندارد؟!

... اندکی صبر کنید. گویی می‌بینم مردی را که بر شما مسلط شده و از همه چیز منتعان ساخته و گرفتار عذابتان کرده است و خدا او را عذاب کند، همان‌گونه که او شما را شکنجه خواهد کرد!

به‌راستی که این خواری مسلمان و نابودی دین است که معاویه بن ابی‌سفیان اراذل و اوباش را فرا بخواند و آنان اجابتش کنند و من که شما نیکان و صاحبان فضیلت را فرامی‌خوانم، پاسخم را ندهید! این رفتار اهل تقوا نیست. (ص ۵۳۸ و ۵۳۹)

کتاب جاذبه و دافعه علی علیه السلام

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو بخش. در مقدمه کلیاتی درباره جذب و دفع به طور عموم و جاذبه و دافعه انسانها به طور خصوص بحث شده است. در بخش اول، جاذبه علی علیه السلام - که همواره دل‌هایی را به سوی خود کشیده و می‌کشد - و فلسفه آن و فایده و اثر آن، مورد بحث قرار گرفته است. بخش دوم کتاب به تبیین کیفیت دافعه امیرالمؤمنین علیه السلام از راه معرفی آنها که از سوی حضرت طرد شده‌اند، می‌پردازد. استاد در این بخش جریان «خوارج» را معرفی کرده است. کیفیت توضیح استاد در مورد خوارج به گونه‌ای است که مخاطب گمان نکند که با جریانی صرفاً تاریخی مواجه است که در روزگار کنونی بدیلی ندارد. استاد همواره بر تکرار پذیری جریان خوارج تأکید می‌نماید. استاد مطهری در بخش مربوط به دافعه علی (علیه السلام)، تنها به معرفی خوارج اکتفا نموده است و خود از این جهت، این کتاب را ناقص می‌داند و ابراز امیدواری می‌کند که در آینده بتواند این نقص را جبران نماید. استاد مطهری در این کتاب در پی اثبات این نکته است که علی علیه السلام شخصیتی دو نیرویی بوده است و هر کس که بخواهد در مکتب او پرورش یابد، باید همچون علی بن ابیطالب علیه السلام از جاذبه و دافعه برخوردار باشد.

علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد. دل‌های ما به طور ناخود آگاه در اعماق خویش با حق سرو سر و پیوستگی دارد؛ و چون علی را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می‌یابند به او عشق می‌ورزند. در حقیقت پشتوانه عشق علی پیوند جانها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرتها نهاده شده، و چون فطرت‌ها جاودانی است مهر علی نیز جاودانی است.

ما وقتی در تاریخ اسلام به سراغ سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد کندی و عمار یاسر و امثال آنان می‌رویم و می‌خواهیم ببینیم چه چیز آنها را وادار کرد که دور علی را بگیرند و اکثریت را رها کنند، می‌بینیم آنها مردمی بودند اصولی و اصول شناس، هم دین دار و هم دین شناس. می‌گفتند: ما نباید درک و فکر خویش را به دست دیگران بسپریم و وقتی آنها اشتباه کردند ما نیز اشتباه کنیم. در حقیقت روح آنان روحی بود که اصول و حقایق بر آن حکومت می‌کرد نه اشخاص و شخصیتها

گفت و گو

مصاحبه با سرکار خانم دکتر الهه شاهپسند عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و پژوهشگر علوم قرآن و حدیث

* بازتاب این اتفاق در بین مردم عصر خودش چگونه بود؟

ما اخباری داریم که نشان می‌دهد افرادی دیده‌اند که حضرت فاطمه بنت اسد در حالی که درد زایمان داشته است، به طرف کعبه آمده و سخنانی را با خدا گفته، و آنگاه وارد کعبه شده است، حتی می‌گویند قصد داشته‌اند از در کعبه وارد شوند و ببینند قضیه چیست، اما نتوانسته‌اند. به هر حال هم درباره قبل از ورود حضرت فاطمه، هم درباره بعد از بیرون آمدن ایشان اخبار زیادی وجود دارد. حتی برخی این مسأله، یعنی تولد امام علی علیه السلام در کعبه، را متواتر می‌دانند و خوب این نشان می‌دهد این موضوع چقدر در صدر اسلام مشهور بوده و نقل شده است.



در گفت‌وگو با سرکار خانم دکتر الهه شاهپسند عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و از پژوهشگران حوزه علوم قرآن و حدیث به سؤالاتی در خصوص ولادت امیرالمومنین علیه السلام پاسخ داده شد که به شرح ذیل تقدیم شما می‌گردد.

* ولادت امیرالمؤمنین درون خانه خدا چه پیامی در بر داشت؟

از آنجا که کعبه نماد توحید و امیرالمؤمنین علیه السلام نماد ولایت است، اولین پیامی که از تولد امام علیه السلام در چنین جایگاهی به ذهن می‌رسد، ارتباط ولایت و توحید است. گویی خداوند قصد داشته است با تولد ابوالأئمه علیهم السلام در کعبه ما را متوجه این ارتباط مهم بکند. ما اخباری درباره اسرار و بواطن عبادات داریم که شما می‌بینید در کتبی مثل اسرار عبادات یا صهبای حج که هر دو از آیت الله جوادی هستند، یکجا گردآوری شده‌اند. آنجا می‌بینید که می‌گوید حج و طواف باطنش دیدار امام است. آنکه حجت مقبول باشد، به دیدار امام عصرش نائل می‌شود. این ارتباط در چندی دیگر از اخبار هم دیده می‌شود، مثل حدیث معروف سلسله الذهب که صراحتاً شرط توحید را ولایت می‌شمارد.

* آیا ولادت حضرت علی (ع) شباهتی با ولادت حضرت عیسی بن مریم دارد؟

بله ولادت حضرت علی علیه السلام شباهت‌هایی به ولادت حضرت عیسی علیه السلام دارد. مثلاً اینکه فاطمه بنت اسد سلام الله علیها مثل حضرت مریم از چشم‌ها دور شد و کسی از زنان عادی دور و بر آنها نبودند که برای به دنیا آوردن بچه به این دو مادر کمک کنند، بلکه به لطف الهی و کمکی که خداوند برای آنها فرستاد این مسأله میسر شد. درباره تغذیه مادر بعد از زایمان هم شما می‌بینید طبق قرآن خداوند برای حضرت مریم علیها سلام خرمایی تازه و آب گوارا می‌فرستد. برای حضرت فاطمه بنت اسد هم در اخبار داریم که خودشان در توصیف ماجرا، از تولد حضرت عیسی و بهره‌مندی حضرت مریم از خرمایی تازه یاد می‌کنند و می‌گویند من هم از میوه‌های بهشتی برخوردار بودم.

امام علی علیه السلام و نهج البلاغه

مرضیه علیزاده ایوری

کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن ، طبله سطح دو حوزه علمیه خواهران قم

سخن گفتن درباره ویژگی های فردی امیرالمومنین علی علیه السلام بسیار مشکل است مانند قطره ای از دریا؛ چون شخصیت ایشان مانند شخصیت انسان های دیگر تک بعدی نیست و کتابش نهج البلاغه را هم به عنوان کتابی که یک شخصیت معمولی از خود به یادگار گذاشته است نمی توانیم تلقی کنیم چون ایشان هدف اعلائی برای زندگی داشت. در حقیقت، نهج البلاغه، شخصیت خطی و رسمی امیرالمومنین است، یعنی علی علیه السلام خود نهج البلاغه مجسم است و این یکی از خصوصیات ایشان است که به آن چه می گوید عمل می کند و آن چه را که می خواهد در زندگی خود پیاده می کند.

بخش قابل توجهی از خطبه های نهج البلاغه به موضوعات اعتقادی و مباحثی چون توحید، نبوت، امامت و معاد اختصاص یافته است.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در فرازهای متعددی از خطبه های بلند خویش، مسائل غامض و پیچیده توحیدی را با بیانی شیوا و فنی توضیح می دهد، فلسفه بعثت و ویژگی های دعوت انبیاء را با تعبیری ملموس برای مردم عصر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پس از آن بیان می کند، بر استمرار خط نبوت در امامت و ولایت خویش و فرزندان تاکید می نماید، ادوار خلقت انسان را از ابتدای تکوین و حالات زمان احتضار و ظهور ملکات و اعمال پس از مرگ و اوضاع و گردنه های عوالم برزخ و چگونگی حشر عمومی و قیامت کبری را جزء به جزء بیان می نماید و تصویری عینی و نافذ از مرگ و برزخ و قیامت پیش چشم انسان ترسیم می فرماید.

با مطالعه نهج البلاغه، گویی امیرالمؤمنین علیه السلام با چهره ای روشن و چشمان درخشان و جبهه ی نورانی و جامه ی کرباسین و ردای ساده در نظر نمایان می شود که بالای منبر جامع کوفه قرار گرفته انبوه مردم در فضای مسجد تمام چشم به آن حضرت دوخته و گردن ها کشیده، سخنانی که از زبان آن حضرت با جمله های بلیغ و کلمات موزون و تعبیرات دلنشین جاری است، چون آهن ربا جذب می نمایند و در صفحات ذهن می سپارند و در اوراق یادداشت می کنند.

امام علی علیه السلام در گفتار خود پایبند قواعد فصاحت و بلاغت نبود بلکه سخن او خود به خود شیرین و گیرا است و قواعد فصاحت را باید از سخنان وی استخراج نمود نه اینکه سخن او را با قواعد فصاحت سنجید سخنان علی علیه السلام با شور و حرارت مخصوص، حقیقت و واقعیت را بیان می کند اجزاء سخنان او همه متناسب و به هم پیوسته است و جمال صورت و کمال معنی به هم مرتبطند، استدلالات آن محکم و منطقی با نفوذ و مؤثر است. کلام علی علیه السلام به طوری است که ارتباط منطقی بین جمله های آن برقرار است هر مطلبی که به خاطر آن حضرت خطور می کرد فوراً به بهترین وجهی در قالب کلمات شیوا بر زبانش جاری می شد و روی کاغذ نقش می بست بدون این که در گفتن و به وجود آوردن آن به خود زحمتی بدهد.

امیرالمومنین علی علیه السلام در موارد مختلفی به بیان اوضاع و احوال مردم در دوران فترت و زمانی که پیامبری برای ایشان مبعوث نشده و یا تعالیم او به دست فراموشی سپرده شده، پرداخته و بسیاری از خصوصیات عصر جاهلی و ویژگی های جامعه هائی را که فاقد پیغمبر بوده و یا از راهنمایی رسولان الهی بی بهره بوده اند به طور واضح ترسیم فرموده است.

علی علیه السلام در بسیاری از خطبه های نهج البلاغه، تحقق جامعه برین و نظام صالح را در پرتو شرائع انبیاء و در ارتباط با بعثت رسولان حق تعالی دانسته و به وجود آمدن امت های نمونه را با برشمردن همه عوامل خوشبختی در سایه رهبری های این بزرگان انسانیت می داند و به ذکر نمونه های عینی می پردازد؛ و نیز در بخش های مختلفی به طور کلی ضرورت بعثت را مطرح ساخته و آثار آن و بالاخره اهداف رسولان را که ایجاد اجتماعی ایده آل و نظامی کامل و نیرومند است، برمی شمارد.

سیره تربیتی حضرت علی

امیر محمد زالانه

۲. ویژگی خدامحوری

یکی از عام‌ترین ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیت مشخصه خدامحوری است. این ویژگی جوهره اساسی رفتار و منش فرد دیندار را تشکیل می‌دهد و به عنوان مهمترین عامل در ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر حوزه‌های تربیتی مطرح می‌گردد. به طور مشخص، مفهوم خدامحوری عبارت است از «جهت‌گیری کلیه اعمال و رفتارهای انسان به سوی ملاکها و معیارهای الهی».

انعکاس این امر در فضای تربیت بیانگر ویژگی خدامحوری است. سرین ویژگی خدامحوری در اصول تربیت سبب جهت‌گیری اصول به سوی تعالی می‌شود. نگاه به انسان از هر روزنه‌ای غیر از روزنه الهی، حتی خرد و عقل، پیام‌آور نوعی مواجهه با او در زوایای محدود به جهان مادی و راهبری وی به گستره‌ای کاملاً متفاوت از خاستگاه الهی و ابدی است.

۳. ویژگی زندگی مداری

دین‌ناظر به کلیه جوانب زندگی انسان است و با نگرشی فراتر از رفع نیازهای موضعی و مادی، جهت‌دهنده بسیاری از خواسته‌های انسان در روند زندگی از حیث‌گزینه‌ش و نحوه عمل و مسیر آن می‌باشد. تربیت بر اساس چنین نگرشی مستلزم عدم انفکاک از متن زندگی است. بنابراین باید در جریان تربیت از اصول و معیارهایی استفاده شود که قابلیت انطباق بر مسیر عادی زندگی را داشته باشند و از قلمرو آن خارج نشوند. اصول تربیت هرگز سبب بروز فعالیتی در عرض فعالیت مرسوم در زندگی نمی‌شود، بلکه نشو و نما و انعکاس خود را از رهگذر زوایای مختلف که عملی می‌سازد.

یکی از ابعاد مهم تربیت اسلامی تربیت اخلاقی است. مراد از تربیت اخلاقی اعمال روشها و به کارگیری اصولی است که در پرتو آنها فرد فضایل اخلاقی را کسب می‌کند و صفات رذیله را از خود دور می‌سازد. بامطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی علیه السلام به خوبی آشکار می‌گردد که تربیت اخلاقی در کنار تربیت دینی مهمترین و اساسی‌ترین بعد تربیت بوده، آن حضرت بیشترین تلاش خویش را صرف این دو بعد تربیتی فرزندان کرده است. نامه‌ها و وصایای آن حضرت به فرزندان گواه صادقی بر این مدعاست. بررسی تربیت اخلاقی فرزندان از دیدگاه امام علی علیه السلام و سیره آن حضرت، کتابی مستقل نیاز دارد. بدین سبب، تنها به دو مورد از **روشهای تربیت اخلاقی** مورد نظر آن حضرت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- الگوی عملی بودن

به نظر می‌رسد مهمترین و کارآمدترین روشی که ائمه علیهم السلام در تربیت اخلاقی فرزندان‌شان به کار می‌گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آنها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندان‌شان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن آنها مشق زندگی می‌گرفتند. سیره تربیتی علی علیه السلام مملو از رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود.

۲- موعظه

پند دادن یکی از روشهای اخلاقی است که در سیره تربیتی علی علیه السلام بسیار دیده می‌شود. آن حضرت در فرصتهای مناسب فرزندان خویش را پند می‌داد و دل‌های پاک و نورانی آنان را نورانی ترمی ساخت.

مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان تنهادر پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمانهای خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید.

تربیت از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب ناقل می‌آید. بزرگ‌مربی اسلام، علی علیه السلام در سخنان خود بارها و بارها از این امر مهم پرده برداشته و آثار و نتایج مثبت تربیت فرزند و پیامدهای منفی بی‌توجهی به آن را بیان داشته‌اند و اینکه مباحث تربیتی یکی از بنیادی‌ترین مباحث، علوم انسانی، و یکی از ارزنده‌ترین مباحث اجتماعی و سیاسی است. که با بسیاری از مباحث دیگر رشته‌های علوم ضروری، ارتباط تنگاتنگ دارد، و در اخلاق‌سازندگی، خودسازی و جامعه‌سازی، گاهی به عنوان پایه‌های اساسی، و زمانی به عنوان نتیجه و ره آوردها، این قبیل از مباحث ارزشمند انسانی، اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تعریف تربیت از منظر دین مبین اسلام

به فعلیت رساندن قوای انسان و استعدادهای او و ایجاد تعادل و هماهنگی در آنها در جهت رسیدن به کمال مطلوب است.

ویژگیهای حاکم بر اصول تربیت

همانطور که در ادامه این نوشتار آشکار می‌شود، نگاهی کلی به اصول تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام بیانگر وجود مجموعه‌ای از ویژگیها و عناصر مشترک در میان اصول گوناگون است. این ویژگیهای مشترک که به نحوی بر اصول مزبور حاکمیت دارد و نحوه ارتباط درونی آنها با یکدیگر و همچنین ارتباط آنها با خدا و انسان را مشخص می‌کند عبارتند از:

۱. ویژگی تعارض مداری

در فضای دینی هر اقدامی متضمن یک پاسخ مثبت فعال و یک پاسخ منفی فعال است. انجام هر عملی ما را ملزم به خودداری از بسیاری اعمال دیگر می‌کند. هرگز نمی‌توان بین خدا و شیطان، حق و باطل و صدق و کذب آشتی برقرار کرد. هرگز نشی مستلزم یک واژنش است. بنابراین نه تنها میل به خدا و تعالی فعالانه است، بلکه رهایی از شیطان و گمراهی نیز جدی و فعالانه صورت می‌پذیرد. یکی از موانع مهم در تربیت دینی، روحیه سازش‌پذیری و مدهانه با باطل و تلاش برای جمع بین حق و باطل و ایجاد آشتی میان آن دو است. ویژگی تعارض مداری در تربیت دینی متکفل پرورش روحیه‌ای است که در مقام نظر همواره در صدد شفاف‌سازی جریان حق و انفکاک آن از بیراهه‌های باطل است و در مقام عمل و رفتار نیز ضمن فاصله‌گیری و انزجار عملی از باطل در صدد تقرب به جریان حق و قرار گرفتن در قلمرو آن است. بنابراین، می‌توان اصول تربیت را بر اساس تعارض میان حق و باطل و شفافیت این تقابل در حوزه نظر و رفتار تبیین کرد. تربیت دینی دو بال دارد؛ اقدام به انجام امر مثبت و مقاومت و مبارزه در برابر امر منفی. کلیه اصول استنتاج شده از دیدگاههای تربیتی امام علی علیه السلام دارای این ویژگی یعنی داشتن دو لبه متعارض است.

گذری روستان معرفت

احیث در کلام امیرالمومنین علی (ع)



شنیدن خوبی ها با گوش

گوش خود را به شنیدن خوبی ها عادت بده و به آنچه که به صلاح و درستی تو نمی افزاید گوش مسپار، زیرا این کار، دل ها را زنگار می زند و موجب سرزنش می شود (غزوالحکم، ج ۲۳۳۴)

ائمه طریق شناخت خدا

خدا را بخدا بشناسید و رسول را به رسالتش و صاحبان فرمان را به امر به معروف و دادگری و نیکوکاری

(الکافی، ط - الإسلامية، ج ۱، ص ۸۵)

سخاوت و شجاعت

سخاوت و شجاعت خصلت های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می گذارد

(تصنیف غزوالحکم و دررالکلم، ص ۳۷۵، ج ۸۴۴۳)

در باب اخلاق

خوش اخلاقی بهترین همنشین است و سرآغاز دفتر مومن، خوش اخلاقی اوست

(تحف العقول عن آل الرسول صلی ال، ج ۲، ص ۲۰۰)

عقل و جهل

دل های نادانان را طمع ها از جا بر می کنند و آرزوهای بی جا در گروشان می گذارند و نیرنگ ها به دامشان می اندازند

(الکافی، ط - الإسلامية، ج ۱، ص ۳۳)

عقل و جهل

عقل پرده ایست پوشاننده محبت و فضل جمالی است هویدا پس نادرستی های اخلاقت را به فضلت پیوشان و با عقلت هوست را بکش تا دوستی مردم برایت سالم ماند و محبت تو بر آن ها آشکار گردد

(الکافی، ط - الإسلامية، ج ۱، ص ۲۰)

سه خصلت نجات بخش

هر کس سه خصلت داشته باشد، دنیا و آخرتش سالم می ماند؛ به خوبی فرمان دهد و خود به آن عمل کند، از زشتی باز دارد و خود از آن باز ایستد از حدود الهی پاسداری کند

(غزوالحکم، ج ۹۰۷۶)

دعا

موج های بلا را پیش از آن که بلا سر رسد، از خود دفع کنید ؛ سوگند به آن که دانه را شکافت و مردمان را بیافرید، شتاب بلا به سوی مؤمن بیشتر است تا شتاب سیلاب از فراز تپه به پایین آن و از تاخت اسب های تاتاری

(الغصا، ص ۲۱)

وجوب کسب علم

ای مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل بدان است، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم تر است زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده، عادلانه (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده و به شما می رساند ولی علم نزد اهلش نگه داشته شده و شما مامورید که آن را از اهلش طلب کنید، پس آن را بخواهید

(الکافی، ط - الإسلامية، ج ۱، ص ۳۰)

گذشت و مدارا با مردم

تو را سفارش می کنم به مدارای با مردم و احترام به علما و گذشت از لغزش برادران (دینی)؛ چرا که سرور اولین و آخرین، تو را چنین ادب آموخته و فرموده است: «گذشت کن از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه برقرار کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده و عطا کن به کسی که از تو دریغ نموده است»

(اعلام الدین، ص ۹۶ - بخار الانوار، ط - بیروت، ج ۷۵، ص ۷۱، ج ۳۴)

گوهر کلام

سخن پایانی

صداقت راه موفقیت و نصرت الهی

لَمَّا رَأَى اللَّهُ صَدَقْنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا
الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى
اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ وَ مُتَبَوِّئًا
أَوْطَانَهُ

«نهج البلاغه . خطبه ۵۶ (از سخنان حضرت در مقایسه با دین پیامبر با دین خود)»

«هنگامی که خداوند صدق و اخلاص ما را دید ذلت و خواری را بر دشمنان ما نازل کرد و پیروزی و نصرت را به ما عنایت فرمود تا آنجا که اسلام در همه جا استقرار یافت و در کشور پهناور خود جای گرفت.»

امیر المؤمنین علی علیه السلام در این بیان نورانی صداقت را یکی از مهمترین عوامل پیروزی، جلب نصرت الهی و نزول خفت و ذلت بر دشمنان در جنگ های صدر اسلام دانسته اند، این عامل می تواند تا قیامت یکی از رموز اصلی موفقیت و جلب نصرت الهی در همه عرصه ها باشد.

دکتر محسن دیمه کار گراب

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

عنایتی شد و دومین شماره از نشریه ره‌نما در ولادت مولی الموحدين امیرالمومنین علیه السلام به دست شما بزرگواران رسید .

هر چند اگر هزاران دفتر در شرح فضایل و باب آشنایی حضرتش نوشته شود اما باز گوشه ای از قدر و کمال این امام همام را در بر نخواهد داشت ، اما ما تلاش کردیم تا با کمک همه عزیزان نوشتاری حاضر کنیم هر چند کوچک ولی در توان خودمان تا گوشه ای از حقایق آن ولی بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله را به شما دوستداران آن حضرت عرضه کنیم .

در این راه بسیاری از اساتید و دوستان همراه ما بودند ؛ که من بر خود واجب میدانم از این سروران کمال تشکر را داشته باشم .

امید است با مدد حضرت حق و امام عصر علیه السلام هر چه بیشتر شاهد تعالی و پیشرفت شیعیان آن حضرت در تمام عرصه ها باشیم .

از تمامی خوانندگان عزیز تقاضا دارم بعد از مطالعه این نشریه ، اگر نظر یا پیشنهادی در جهت اعتلای آن دارند دوستانه با ما در میان بگذارند. تا به رشد و تکامل این نوشتار کمکی شود.

در انتها از خداوند سلامتی و عزت برای تمام عزیزانی که به هر جهت در مهیا شدن نشریه به ما کمک کرده اند مسألت دارم و آرزوی خدمت مخلصانه در راه شناساندن معارف ژرف قرآن و حدیث برای بزرگواران دارم.

محمد علی کیهانی

مدیر مسئول نشریه ره نما